

تولد غول جدید نقره در امریکا

توافق برای ادغام دو شرکت معدنی، زمینه تشکیل یک تولیدکننده بزرگ نقره در امریکا را فراهم کرده است. این ادغام، معدن بانکر هیل در آیداهو را با مجموعه‌ای از پروژه‌های اکتشافی و توسعه‌ای در آلاسکا، نوادا و نیومکزیکو ترکیب می‌کند. بر اساس برنامه شرکت جدید، تولید سالانه نقره معادل از حدود ۹۸۰ هزار اونس پس از آغاز فعالیت تجاری معدن به ۲.۵ میلیون اونس در سال ۲۰۲۷ و در نهایت به بیش از ۵ میلیون اونس خواهد رسید. شرکت بانکر هیل ماینینگ (Bunker Hill Mining Corporation) با سرمایه‌گذاری تورنتو، امضا کرده سهام عادی منتشرشده و در دست سهامداران شرکت سیلور۴۷ اکسپلوریشن (Exploration Corporation Silver۴۷)، پذیرفته‌شده در بورس سرمایه‌گذاری تورنتو، امضا کرده است. پس از تکمیل ادغام، نام شرکت به بانکر هیل سیلور (Bunker Hill Silver Corporation)، تغییر خواهد کرد و سهام آن همچنان در بورس تورنتو معامله خواهد شد. این معامله با هدف ایجاد یک شرکت بزرگ آمریکایی در حوزه نقره و مواد معدنی حیاتی انجام می‌شود. بر اساس برنامه شرکت، تولید سالانه نقره معادل آن از حدود ۹۸۰ هزار اونس پس از آغاز فعالیت تجاری معدن بانکر هیل (Bunker Hill Mine) در سه‌ماهه چهارم سال جاری، به ۲.۵ میلیون اونس در سال ۲۰۲۷ و در نهایت به بیش از ۵ میلیون اونس در سال ۲۰۲۷ سهام شریک توسعه‌یافته را در اختیار سیلور۴۷ اکسپلوریشن (Exploration Silver۴۷) در ازای هر سهم عادی این شرکت، ۰.۱۷۲۴ سهم عادی بانکر هیل (Bunker Hill) دریافت خواهند کرد. پس از نهایی‌شدن معامله، سهامداران بانکر هیل ماینینگ (Bunker Hill Mining) ۵۷ درصد از سهام شرکت توسعه‌یافته را در اختیار خواهند داشت و مابقی سهام متعلق به سهامداران سیلور۴۷ اکسپلوریشن خواهد بود. نسبت مبادله سهام، ارزش معامله را برای هر سهم سیلور۴۷ اکسپلوریشن حدود ۰.۶۷ دلار امریکا، معادل ۰.۹۳ دلار کانادا تعیین می‌کند که نسبت به قیمت پایانی این سهم در بورس سرمایه‌گذاری تورنتو در ۲۰ آگوست، حدود ۳۸ درصد ارزش دارد. این ادغام، معدن فعال بانکر هیل در منطقه سیلور ولسی (Silver Valley) ایالت آیداهو را با مجموعه پروژه‌های اکتشافی و توسعه‌ای نقره شرکت سیلور۴۷ اکسپلوریشن در آلاسکا، نوادا و نیومکزیکو ترکیب خواهد کرد. با افزایش تدریجی تولید بانکر هیل و رسیدن معدن به ظرفیت تجاری، این معدن به موتور عملیاتی شرکت تبدیل خواهد شد و جریان نقدی حاصل از فعالیت آن برای تأمین مالی رشد و توسعه پروژه‌های اطراف معدن و همچنین مجموعه گسترده‌تر پروژه‌های اکتشافی و توسعه‌ای شرکت در امریکا مورد استفاده قرار خواهد گرفت. بانکر هیل ماینینگ اعلام کرده است که انتظار می‌رود جریان نقد عملیاتی و موجودی نقدی پروفرما شرکت پس از ادغام، سرمایه لازم برای اجرای برنامه‌های گسترده اکتشاف و توسعه و همچنین تأمین سرمایه در گردش موردنیاز معدن بانکر هیل را فراهم کند. گالن مک‌نامارا (Galen McNamara)، مدیرعامل سیلور۴۷ اکسپلوریشن (Exploration Silver۴۷)، درباره زمان‌بندی این ادغام گفت دولت امریکا بازسازی زنجیره‌های تأمین مواد معدنی این کشور را به یک اولویت ملی تبدیل کرده است. به گفته او، نقره به فهرست مواد معدنی حیاتی امریکا اضافه شده و روند صدور مجوزهای فدرال با سرعتی در حال انجام است که صنعت معدن طی چند دهه گذشته شاهد آن نبوده است. او افزود که ترکیب دارایی‌های نقره‌ای امریکا با یک معدن تولیدکننده و برخوردار از فضای سیاست‌گذاری حمایتی، مسیر ایجاد یک شرکت بزرگ آمریکایی در این حوزه را فراهم می‌کند و دو شرکت برای تحقق این هدف همکاری خواهند کرد.

ادغام برای افزایش مقیاس تولید

این ادغام در شرایطی انجام می‌شود که اهمیت نقره در زنجیره تأمین مواد معدنی امریکا رو به افزایش است. قرار گرفتن نقره در فهرست مواد معدنی حیاتی این کشور، توجه بیشتری را به توسعه معادن داخلی و افزایش ظرفیت تولید جلب کرده است. در چنین فضایی، ترکیب یک معدن در حال ورود به مرحله تولید تجاری با مجموعه‌ای از دارایی‌های اکتشافی می‌تواند به شرکت جدید امکان دهد میان تولید کوتاهمدت و توسعه ذخایر بلندمدت توازن ایجاد کند. برنامه تولیدی بانکر هیل سیلور نیز نشان می‌دهد که این شرکت تنها بر افزایش حجم تولید یک معدن متکی نخواهد بود. رسیدن تولید نقره معادل به ۲.۵ میلیون اونس در سال ۲۰۲۷ و سپس عبور از مرز ۵ میلیون اونس، به موفقیت در راه‌اندازی معدن، افزایش ظرفیت عملیاتی و پیشرفت پروژه‌های اکتشافی وابسته خواهد بود. به این ترتیب، معدن بانکر هیل می‌تواند نقش دارایی پایه شرکت را ایفا کند و پروژه‌های دیگر به تدریج به سید رشد آن اضافه شوند. یکی از مهم‌ترین مزیت‌های ساختار جدید، امکان استفاده از جریان نقدی معدن بانکر هیل برای تأمین مالی فعالیت‌های اکتشافی و توسعه‌ای است. شرکت اعلام کرده است که با افزایش تولید و رسیدن معدن به ظرفیت تجاری، درآمد عملیاتی حاصل از آن می‌تواند بخشی از منابع موردنیاز برای توسعه پروژه‌های دیگر در امریکا را تأمین کند. این مدل، وابستگی شرکت به تأمین مالی خارجی را در صورت تحقق برنامه‌های تولید کاهش می‌دهد و به آن اجازه می‌دهد بخشی از هزینه‌های اکتشاف و توسعه را از محل فعالیت عملیاتی تأمین کند. در صنعت معدن، ایجاد چنین پیوندی میان دارایی تولیدکننده و پروژه‌های اکتشافی می‌تواند به کاهش ریسک تأمین سرمایه برای توسعه ذخایر جدید کمک کند.

تمرکز بر زنجیره تأمین داخلی

از سوی دیگر، این معامله را باید در چارچوب تلاش امریکا برای تقویت زنجیره تأمین داخلی مواد معدنی حیاتی ارزیابی کرد. افزایش توجه سیاست‌گذاران آمریکایی به تأمین مواد معدنی از منابع داخلی، فرصت تازه‌ای برای شرکت‌هایی ایجاد کرده است که پروژه‌های معدنی خود را در داخل این کشور توسعه می‌دهند. گالن مک‌نامارا، مدیرعامل سیلور۴۷ اکسپلوریشن، نیز بر همین تغییر فضای سیاست‌گذاری تأکید کرده و گفته است بازسازی زنجیره‌های تأمین مواد معدنی به یک اولویت ملی در امریکا تبدیل شده است. به گفته او، اضافه شدن نقره به فهرست مواد معدنی حیاتی و سرعت گرفتن فرآیند صدور مجوزهای فدرال، شرایطی متفاوت با سال‌های گذشته برای توسعه پروژه‌های معدنی ایجاد کرده است.

گزارش خبری

معدن

editor@smtnews.ir

گاز وارداتی در بن‌بست رقابت با زغال‌سنگ



هند، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان زغال‌سنگ در جهان، با چالشی جدی در مسیر تغییر ترکیب سبد انرژی خود روبه‌روست: آیا گاز طبیعی مایع وارداتی می‌تواند جایگزینی اقتصادی برای زغال‌سنگ باشد یا هزینه بالای آن، این نقش را به انرژی‌های تجدیدپذیر واگذار می‌کند؟ با وجود برنامه‌های دولت هند برای افزایش سهم گاز طبیعی، آمارها از کاهش سهم این سوخت در سبد انرژی و استفاده محدود از زیرساخت‌های واردات و انتقال آن حکایت دارند. فاصله قیمتی گاز طبیعی مایع با زغال‌سنگ، در کنار رشد انرژی‌های پاک، تردیدها درباره توجیه اقتصادی این جایگزینی را افزایش داده است.

در این گزارش، دلایل ناکامی گاز طبیعی مایع در رقابت با زغال‌سنگ و پیامدهای آن برای آینده بازار انرژی هند را بررسی می‌کند.

ادعای جایگزینی زغال‌سنگ با گاز زیر ذره‌بین

«Woodside Energy Group» اخیراً اعلام کرده است که ایجاد زیرساخت جدید صادرات گاز طبیعی مایع این شرکت در امریکا، در کاهش تقاضای هند برای زغال‌سنگ تأثیرگذار بوده است.

برخلاف ادعاهای مطرح‌شده، باید گفت در این زمینه واقعیت‌های اقتصادی بازار انرژی هند نادیده گرفته شده است. در شرایط فعلی، گاز طبیعی مایع وارداتی به‌دلیل قیمت بالاتر نسبت به زغال‌سنگ و منابع تجدیدپذیر، نتوانسته سهم خود را افزایش دهد و در نتیجه، زیرساخت‌های فعلی گاز طبیعی در هند به‌طور گسترده بلااستفاده باقی مانده‌اند.

از این رو، به نظر می‌رسد گاز طبیعی مایع وارداتی، عمدتاً به دلایل اقتصادی، گزینه مطلوبی برای جایگزینی سوخت زغال‌سنگ در تولید انرژی هند و تسهیل گذار به انرژی‌های پاک نخواهد بود. شواهد ارزیابی‌شده نشان می‌دهد فناوری‌های ارزان‌تر و پاک‌تر، تهدیدی جدی برای ادامه استفاده از زغال‌سنگ و گاز طبیعی مایع در بخش تولید انرژی طی بلندمدت محسوب می‌شوند.

زغال‌سنگ و تجدیدپذیرها؛ رقبای ارزان‌تر گاز وارداتی

زغال‌سنگ همچنان سوخت برتر در سبد انرژی هند محسوب می‌شود و بیش از نیمی از نیازهای انرژی این کشور از طریق این سوخت فسیلی تأمین می‌شود. اگرچه دولت هند هدف افزایش سهم گاز طبیعی به ۱۵ درصد تا سال ۲۰۳۰ را در سبد انرژی این کشور تعیین کرده است، سهم این سوخت از ۱۱ درصد در سال مالی ۲۰۱۱ به حدود ۷ درصد در حال حاضر کاهش یافته است.

نیروگاه‌ها و پایانه‌های گاز در انتظار مشتری

مصرف‌کنندگان عمده زغال‌سنگ و گاز طبیعی محسوب می‌شوند، افزایش مصرف این دو منبع انرژی در صنایع مذکور بین سال‌های مالی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۴، عمدتاً ناشی از رشد استفاده از زغال‌سنگ وارداتی و گاز طبیعی داخلی بوده است. تقاضای کل گاز طبیعی در این صنایع طی این دوره حدود ۷۶۹ میلیارد مترمکعب افزایش یافته، اما تنها ۰.۲۲ میلیارد مترمکعب از این رشد به گاز طبیعی مایع اختصاص داشته و مابقی از گاز طبیعی تولید داخل تأمین شده است.

شایان ذکر است متوسط قیمت زغال‌سنگ وارداتی در سال مالی ۲۰۲۴ حدود ۶ دلار به‌ازای هر میلیون واحد حرارتی بریتانیا (MMBtu) بوده که اندکی کمتر از قیمت گاز داخلی، معادل ۶.۵ دلار به‌ازای هر میلیون واحد حرارتی بریتانیا، است. قیمت گاز طبیعی مایع در همین سال به‌طور میانگین بیش از ۱۱ دلار به‌ازای هر میلیون واحد حرارتی بریتانیا بوده است.

اگرچه امکان جایگزینی زغال‌سنگ با گاز طبیعی مایع برای صنایع کوچک و متوسط هند، به‌ویژه با توسعه شبکه گازرسانی سراسری، وجود دارد، افزایش استفاده از این سوخت به عوامل متعددی مانند قیمت‌گذاری، توسعه زیرساخت‌ها و میزان رقابت‌پذیری آن در برابر سایر منابع انرژی بستگی خواهد داشت.

پارانه‌ها و انرژی‌های پاک؛ تعیین‌کنندگان آینده بازار

طبق آمارهای ارائه‌شده، رشد مصرف گاز طبیعی مایع بیشتر در بخش‌هایی از هند اتفاق افتاده که مصرف زغال‌سنگ در آنها اندک بوده است؛ بنابراین، این سوخت جایگزین زغال‌سنگ نشده است. برای مثال، بخش تولید کودهای شیمیایی هند سهم عمده‌ای در افزایش تقاضای گاز طبیعی مایع از سال مالی ۲۰۱۶ تاکنون داشته است. این رشد عمدتاً به‌دلیل تخصیص پارانه‌های گسترده دولتی است که از مصرف‌کنندگان در برابر نوسانات قیمت و هزینه‌های بالای انرژی حمایت می‌کند.

همچنین، در واکنش به جهش قیمت گاز طبیعی در سال ۲۰۲۲، دولت هند در سال مالی ۲۰۲۳ مبلغ ۳۰.۵ میلیارد دلار پارانه برای تولید کودهای شیمیایی اختصاص داد. با کاهش نسبی قیمت گاز طبیعی در سال‌های بعد، میزان این پارانه برای سال مالی ۲۰۲۶ به ۱۹.۵ میلیارد دلار کاهش یافته است.

با این وجود، میزان رشد تقاضای گاز طبیعی مایع در بخش‌هایی که از پارانه‌های دولتی گسترده برخوردار نیستند، همچنان نامشخص است. از سال مالی ۲۰۱۶ تاکنون، تقاضای گاز طبیعی مایع در بخش‌های انرژی بر مانند پالایشگاه‌ها، پتروشیمی و تولید برق هند رشد قابل‌توجهی نداشته است. در برخی بخش‌ها، از جمله توزیع گاز شهری، تقاضای کلی گاز طبیعی طی دهه گذشته به‌طور چشمگیری افزایش یافته، اما بخش عمده این رشد با گاز طبیعی تولید داخل و با قیمت پایین‌تر تأمین شده است. گاز طبیعی مایع نیز به‌دلیل هزینه‌های تبدیل گاز به مایع، حمل‌ونقل و تبدیل مجدد آن به حالت گازی، معمولاً قیمت بالاتری نسبت

تجربه هند نشان می‌دهد که جایگزینی سوخت‌ها در مقیاس ملی، بیش از آنکه به وعده‌های صنعت یا توسعه زیرساخت‌ها وابسته باشد، از منطق هزینه و رقابت‌پذیری پیروی می‌کند. قیمت بالای گاز طبیعی مایع وارداتی، کاهش استفاده از نیروگاه‌های گازسوز و رشد سریع انرژی‌های تجدیدپذیر، چشم‌انداز افزایش سهم این سوخت را با محدودیت روبه‌رو کرده است. در چنین شرایطی، توسعه پایانه‌های وارداتی و خطوط لوله بدون توجه

به گاز طبیعی دارد.

برای نمونه، در سال مالی ۲۰۲۳ مصرف سوخت‌های صنعتی جایگزین، نظیر مازوت، فرآورده‌های سنگین یا گوگرد پایین (LSHS)، کک نفتی و گاز مایع نفتی (LPG)، به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافت؛ علت اصلی این روند، جهش قیمت جهانی زغال‌سنگ و گاز طبیعی مایع بود.

از سوی دیگر، رشد سریع منابع جایگزین پاک‌تر و مقرون‌به‌صرفه‌تر، چالش جدی‌تری برای افزایش تقاضای گاز طبیعی مایع در هند ایجاد کرده است. در بخش انرژی، تولید برق با استفاده از گاز طبیعی مزیت رقابتی خود را در برابر انرژی‌های تجدیدپذیر از دست داده است. در بخش حمل‌ونقل نیز شرایط مشابهی حاکم است؛ به‌گونه‌ای که طی هشت سال گذشته، رشد فروش خودروهای برقی ۱۲۳ درصد بیشتر از خودروهای گازسوز (CNG) بوده است. در مجموع، گاز طبیعی مایع وارداتی نتوانسته جایگزین زغال‌سنگ در سبد انرژی هند شود.

بررسی شواهد نشان می‌دهد برخلاف آنچه فعالان صنعت نفت و گاز مطرح می‌کنند، افزایش سهم گاز طبیعی مایع در سبد انرژی نه صرفاً از طریق سیاست‌گذاری، بلکه با پذیرش واقعیت‌های اقتصادی بازار امکان‌پذیر خواهد بود. در نتیجه، این سوخت در شرایط کنونی توان رقابت مؤثر در بازارهای نوظهوری مانند هند را ندارد.

طبق ارزیابی تحولات اخیر بخش انرژی هند، اتکای صرف به واردات گاز طبیعی مایع به‌عنوان راه‌حلی برای جبران کاهش تولید داخلی، با چالش‌های جدی اقتصادی و ساختاری روبه‌روست. در حالی که قیمت جهانی گاز طبیعی مایع و زغال‌سنگ طی سال‌های اخیر با نوسانات شدید مواجه بوده، مصرف‌کنندگان صنعتی و نیروگاهی هند به سمت استفاده از سوخت‌های جایگزین ارزان‌تر، مانند مازوت، کک نفتی و گاز مایع نفتی، حرکت کرده‌اند. این تغییر رفتار به کاهش تقاضا برای گاز طبیعی و افت نرخ بهره‌برداری از زیرساخت‌های پرهزینه واردات و انتقال آن منجر شده است.

علاوه بر این، توسعه شتابان انرژی‌های تجدیدپذیر در بخش تولید برق و افزایش فروش خودروهای برقی در بخش حمل‌ونقل، رقابت‌پذیری گاز طبیعی را بیش از پیش کاهش داده است. این روند نشان می‌دهد که گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر در هند، بیش از آنکه صرفاً تابع سیاست‌گذاری‌های کلان دولتی باشد، به منطق اقتصادی بازار و هزینه‌تمام‌شده منابع انرژی وابسته است. در این میان، گاز طبیعی مایع نتوانسته جایگاه خود را در سبد انرژی هند تثبیت کند.

بنابراین، آینده توسعه زیرساخت‌های واردات گاز در هند نیازمند بازنگری جدی است؛ زیرا تداوم شرایط فعلی از دگرگونی ساختاری بازار انرژی این کشور حکایت دارد؛ بازاری که در آن گاز طبیعی مایع مزیت رقابتی مورد انتظار را به دست نیاورده است.

سخن پایانی

به تقاضای واقعی، می‌تواند به انباشت دارایی‌های کم‌بازده و هدررفت سرمایه منجر شود. از این رو، آینده بازار انرژی هند به توانایی سیاست‌گذاران در ایجاد توازن میان امنیت تأمین، هزینه اقتصادی و توسعه منابع پاک بستگی دارد؛ توازنی که در آن، گاز طبیعی مایع تنها زمانی می‌تواند جایگاه پایداری به دست آورد که از نظر قیمت و عملکرد، توان رقابت با گزینه‌های جایگزین را داشته باشد.